

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۳۰۹ تا صفرالمظفر ۱۳۱۰ ق.

به انضمام سفرنامه عراق عجم



به کوشش

مجید عداوین
نسرین حلیلی

www.ketab.ir



- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. ۱831-1896 Nasir al-Din Shah, Shah of Iran
روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع الاول ۱۳۰۹ تا صفرالمظفر ۱۳۱۱
به انضمام سفرنامه عراق عجم / به کوشش مجید عبدامین و نسرتین خلیلی
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷. ۵۰۱ ص.
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۲۲۵. گنجینه اسناد و تاریخ ایران ۶۷
۱-۱۳-۶۴۴۱-۶۲۲-۹۷۸
فیبیا
واژه‌نامه.
نمایه.
ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷- ۱۳۱۳ ق. -- خاطرات
ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. -- سفرها
ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925
عبدامین، مجید، ۱۳۴۱-، مصحح
DSR ۱۳۶۹ / ۲۳۳ ۱۳۹۷
۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲
۵۵۳۳۹۴۸

WWW.Ketab.ir



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۳۰۹ تا صفرالمظفر ۱۳۱۰ ق.

به انضمام سفرنامه عراق عجم

به کوشش

گرافیسیت، طراح و مجری جلد

کاوه حسینی

لیتوگرافی

چاپ متن

صحافی

تیراژ

چاپ اول

کوثر

آزاده

حقیقت

۱۱۰۰ نسخه

تابستان ۱۳۹۸

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



فهرست

| | |
|--------|---|
| پانزده | مقدمه مصحح |
| ۱ | ربیع الثانی ۱۳۰۹ |
| ۳۵ | جمادی الاوّل ۱۳۰۹ |
| ۷۷ | جمادی الثانی ۱۳۰۹ |
| ۹۹ | رجب المرجب ۱۳۰۹ |
| ۱۲۷ | شعبان المعظم ۱۳۰۹ |
| ۱۴۰ | رمضان المبارک ۱۳۰۹ |
| ۱۴۹ | شوال المکرم ۱۳۰۹ |
| ۱۸۳ | ذی قعدة الحرام ۱۳۰۹ |
| ۲۴۰ | ذی حجة الحرام ۱۳۰۹ |
| ۲۹۴ | حرّم الحرام ۱۳۱۰ |
| ۳۳۸ | صفر المنان ۱۳۱۰ |
| ۳۶۱ | فهرست نام چیدگانه |
| ۳۶۳ | فهرست نام اشخاص و القاب |
| ۳۸۹ | فهرست اسامی جزیریان |
| ۴۰۹ | فهرست مدنی، اجتماعی، اداری و واژه‌های خاص |
| ۴۳۷ | فهرست طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب |
| ۴۴۰ | فهرست مأكولات و مشروبات |
| ۴۴۱ | فهرست گل و گیاه، میوه‌جات و درختان |
| ۴۴۵ | فهرست حیوانات و جانداران |
| ۴۴۷ | فهرست کتب و رسالات |
| ۴۴۹ | بخش تصاویر |
| ۴۷۳ | منابع و مأخذ |

به نام خدا

سنت نگارش روزنامه وقایع یومیه، خصوصاً به سبک و سیاقِ امروزیِ آن، در طی دو قرن اخیر و ابتدا از طریق آشنایی رجال کشور با فرهنگ اروپایی به ایران راه یافته است. تعداد قابل توجهی از رجال دوره قاجاریه، وقایع روزانه خود را در قالب روزنامه یومیه و یا کتاب خاطرات به رشته تحریر درآورده‌اند که از بین آنها می‌توان به محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، حاج عزالممالک اردلان، حاج مخبرالسلطنه هدایت، عین‌السلطنه سالور، غلامعلی خان عزیزالسلطان، میرزاظاهر بصیرالملک شیبانی و برخی دیگر اشاره کرد.

بخش مهمی از تاریخ معاصر کشور، به دوره قاجاریه اختصاص دارد که خوشبختانه در طی دو دهه اخیر، بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران و علاقمندان عرصه تاریخ معاصر قرار گرفته است؛ لیکن هواره طالبی که توسط شخص پادشاه - به‌عنوان شخص اول مملکت - نگاهشته شده است، از مکتب خان و ریشه‌های برخوردار بوده است. چرا که آشنایی با افکار، روحیات، عادات و روندهای تصمیم‌گیری وی، به درک بهتر از حوادث آن دوره تاریخی کمک می‌نماید، و شاید یکی از دلایل علاقه‌مندی پژوهشگران حوزه تاریخ به روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین‌شاه نیز از همین خط باشد.

با استناد به شواهد تاریخی، ناصرالدین‌شاه قاجار از اوایل دوران سلطنت خود شروع به ثبت و ضبط وقایع روزانه خود نموده است؛^۱ و تا واپسین روزهای حیات خود، به این امر مهم مبادرت ورزیده است.^۲ به همین جهت است که در عرصه تاریخ معاصر ایران، ناصرالدین‌شاه قاجار را یکی از سلاطین پرنویس و اهل فضل و ادب می‌شمارند. به حقیقت این جمله درست است که این پادشاه، هم کتاب‌دار بود و هم کتاب‌خوان، و هم در زندگی خویش سعی بر آن نمود تا آثار مکتوبی از خود برجای گذارد. آنچه مسلم است، تعداد زیادی از دست‌نوشته‌ها و مکتوبات او در آرشیوهای عمومی و خصوصی وجود

۱. قدیمی‌ترین روزنامه خاطراتی که از ناصرالدین‌شاه مشاهده شده، مربوط به ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۵ قمری می‌باشد.

۲. آخرین برگ از خاطرات روزانه ناصرالدین‌شاه، مربوط به چهارشنبه ۱۵ ذی‌قعدة سال ۱۳۱۳ قمری و چهل و هشت ساعت قبل از ترور وی می‌باشد.

داشته که به دست پژوهش سپرده شده، و پس از استنساخ به طبع رسیده‌اند؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که تعداد زیادی از این دست‌نویس‌ها نیز در کنج مراکز آرشیوی وجود دارند که پژوهشی بر روی آنها صورت نگرفته و لازم است تا این اسناد نیز مورد واکاوی قرار گرفته، و به جهت استفاده محققین و پویش‌گران عرصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین به عرضه عمومی گذارده شود. این نکته همواره قابل توجه است که آنچه از این پژوهش‌ها استخراج می‌شود؛ می‌تواند برخی زوایای مبهم تاریخ معاصر ایران را روشن ساخته و به بخشی از پرسش‌ها درباره روابط اجتماعی- سیاسی و فرهنگی آن دوران پاسخ گوید.

خوسبختانه بخش عظیمی از این روزنامه‌های یومیه موجود است و در شرایط بسیار خوب، در دو مرکز مهم آشنای کشور، یعنی سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان نگهداری می‌شوند. بخشی از این روزنامه‌ها تا به امروز تصحیح و چاپ شده و مابقی آن نیز به یاری خیران و سمت پژوهشگران به چاپ خواهد رسید.

کتاب حاضر، حاصل بازخوانی و تصحیح یکی از چندین آلبوم موجود در مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان است که در ن. ناصرالدین‌شاه به شرح خاطرات روزانه خود در دوره زمانی ۱۳۰۹ الی ۱۳۱۰ قمری می‌پردازد. این مجموعه آلبوم‌ها اختصاص دارد به وقایع از ربیع‌الاول سال ۱۳۰۸ تا ذی‌قعدة سال ۱۳۱۱ قمری که در قالب پنج آلبوم صحافی گردیده است.

وقایع کتاب حاضر از اواسط ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ قمری آغاز می‌شود و در اواخر صفرالمظفر ۱۳۱۰ پایان می‌پذیرد. کتابت این آلبوم توسط ناصر شاه و برخی از نزدیکانش همچون حاجی ابوالحسن خان فخرالملک، میرزامهدی خان عسکری اجدان مخصوص، میرزااحمدخان مشیرحضور صورت گرفته است.

کتاب با شرحی از مسافرتی کوتاه به شهرستان علی‌شاه‌عوض تهران شروع شده و چنان به زیبایی به شرح و بسط وقایع این چند روز می‌پردازد که بیشتر حال و هوای یک رمان ادبی را برای خواننده تداعی می‌کند، تا یک روزشمار تاریخی؛ اما بلافاصله و با استادی و به شیوه‌ای خاص که مختص قلم توانا و پرنویس شخصی است که تقریباً در تمامی طول حیات خویش به ثبت و نگارش خاطرات روزانه خود مشغول بوده است، خواننده را به متن وقایع روزانه برده و چنان درگیر حوادث روزمره می‌کند، که دیگر به آسانی توان دل‌کندن از ادامه مطلب را در خود نمی‌یابد.

از جمله وقایعی که در این کتاب به آنها پرداخته شده است می‌توان به شرح سرقت از تخت تاریخی و مرصع معروف به تخت طاووس، جریان قیام کلاردشت و شرح دستگیری سیدمحمد کلاردشتی، شیوع بیماری آنفلونزای جهانی و همچنین قیام مردمی معروف به قیام رژی تنباکو اشاره کرد. در همین ارتباط و در صفحه ۸۱ کتاب می‌خوانیم:

«...در وقتی که از پله‌ها بالا می‌رفتیم پاکتی از نایب السلطنه رسید رویش نوشته بود راپورت کُنت است و فوری است. ملاحظه کردم نوشته بود: در خانه ملاحسن آستینانی - کا آخون، تشریف دارند - سیدعلی اکبر تفرشی و شیخ فضل‌الله مازندرانی و پسر آقا سید صادق مرحوم، شیخ محمدحسن سفیه و غیره جمع شده، دادوفریادی دارند که میرزا حسن آستینانی را حکم شده که از شهر اخراج کنند، و مردم جمع شده‌اند که نگذارند و من و مردم زیادی در کوچه و بام‌ها جمع هستند داد و فریاد می‌کنند. بسیار اوقاتم تلخ شد.»

بعد از رفتن آخوندهای عراقی، آمدم پائین در دیوانخانه گشته، رفتم سردر عمارت شمس‌العماره که شهر را تماشای کنم. دیدم مردم مضطرب در کوچه راه می‌روند، این طرف آن طرف می‌دوند - مثال دیوانه‌ها. دکا کین را هم بسته‌اند. بعد آمدم پائین. در این بین نایب‌السلطنه نفس‌زنان آمد که کار بد شده است، مردم خیلی جمع شده‌اند قال‌وقیلی دارند. او را فرستادم به آدم بفرستد خانه ملاها و جمعیت را برهم بزنند...»

در ادامه و از صفحه ۱۵۱ کتاب، خواننده محترم؛ به راه‌سازان و اعوان و انصارش به سفری می‌رود که به «سفر عراق عجم» معروف است. در این سفر با عبور از شهرهای ری، قم، دلیجان، محلات، سلطان‌آباد، هزاوه، بروجرد و شهر تاریخی و باستانی نهاوند، سفر به پایان رسیده و با عبور از شهرهای تویسرکان، ساوه، پیک و رباط‌کریم و در تاریخ ۲۱ محرم ۱۳۱۰ قمری از طریق دروازه گمرک وارد تهران شده، و این سفر پایان می‌پذیرد. از ابتدای خروج از تهران، تا انتهای بازگشت به پایتخت، شاهد خواهیم بود که با دقت نظر و ریزبینی خاص، هیچ نکته‌ای از خوانندگان پوشیده نمی‌ماند و چنان با استادی به تشریح وقایع و مناظر و نقاط دیدنی طول راه پرداخته شده است که در بسیاری از موارد، خواننده خود را در آن فضا احساس می‌کند.